

گنگره ۱

۱۳ ژانویه ۲۰۱۲ - ۲۳ دسامبر ۱۳۹۰

سردبیر: خالد حاج محمدی hekmatist.congeres5@gmail.com

به همه علاقمندان شرکت در گنگره پنجم حزب حکمتیست

در رابطه با گنگره حزب توجه تان را به نکات زیر جلب میکنم:

الف - گنگره پنجم حزب حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ ماه فوریه ۲۰۱۲ برگزار میشود.

ب - همه شرکت کنندگان باید برنامه سفر خود را طوری بریزید که از جمعه شب (۱۷ فوریه) تا آخر روز یکشنبه (۱۹ فوریه) در محل حضور داشته باشید.

ج - با توجه به مسائل امنیتی ما همه شرکت کنندگان را (بلا استثناء) تنها در فرودگاههای استکهلم، اسلو، گوتنبرگ (یوتبری) تحویل میگیریم و به با چک امنیتی به محل گنگره منتقل میکنیم. حتما پاسپورت معتبر همراه داشته باشید.

د- همانطور که میدانید طبق روال همیشگی هزینه گنگره (محل خواب و هزینه سفر) توسط شرکت کنندگان پرداخت خواهد شد از آنجا که هزینه محل خواب برای همه یکسان است هرکس باید خود این هزینه را پرداخت کند.

ه - برای پیشبینی امکانات لازم برای نگهداری جوانان زیر ۱۶ سال ما باید از قبل تعداد آنها را دقیق بدانیم. لطفا اگر با خودتان بچه همراه دارید هرچه زودتر تعداد، نام و سن آنها را به ما اطلاع دهید.

و - برای سازمان دادن دریافت شما و تحویلتان به محل گنگره به اطلاعات دقیق مربوط به سفرتان احتیاج داریم.

لطفا همه نمایندگان حداکثر تا ۱ فوریه فرم (الف) که جداگانه برایتان ارسال میشود، را پر کرده و به آدرس hekmatist.congeres5@gmail.com برای ما بفرستند.

میهمان و علاقمندان شرکت در گنگره لازم است حداکثر تا ۱ فوریه فرم (ب) را پر کرده و به آدرس hekmatist.congeres5@gmail.com برای ما بفرستند.

مسئول برگزاری گنگره
خالد حاج محمدی
۱۱ ژانویه ۲۰۱۲

به: نمایندگان گنگره ۴ حزب حکمتیست موضوع: گنگره ۵ حزب حکمتیست

رفقای عزیز!

در اینکه امروز حزب در وضع منتقدین خطر رسمی را به پای راهی خطیری قرار دارد شکی نیست. مشترک برای نجات حزب بیاوریم. خارج از هر تحلیل و ارزیابی که تلاش کردیم فضا و امکانی ایجاد هر کس داشته باشد حزب عملا دو شود که به جای فضای غیر سیاسی شقه شده است. این وضع برای هیچ امکان ابراز نظر و از جمله نقد خط انسان مسؤلی قابل ادامه نیست. ما رسمی حزب برای منتقدین فراهم با قبول بی قید و شرط بیانیه شود و رفقا به این راه روی آورند. مشترک ۱۵ دسامبر دو حزب فکر میکردیم و کماکان فکر میکنیم کمونیست کارگری عراق و طرح نظرات روشن و شفاف و کردستان، تلاش کردیم راهمان را علنی این رفقا به همه ما امکان کج کنیم و کل حزب را و از جمله میدهد که قضاوت کنیم، ←

تصمیم به برگزاری گنگره حزب بعد از پلنوم ۲۲ کمیته مرکزی، به اطلاع و تأیید پلنوم ۲۲ رسید. طبق مباحثات و گزارش رهبری حزب به پلنوم ۲۲ قرار شد با اتمام پلنوم پروسه انتخابات گنگره حزب فوری شروع شود. مسئول انتخابات گنگره به پلنوم معرفی شد و پلنوم ۲۲ تصمیم گرفت که گنگره علنی باشد.

گنگره پنجم حزب حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ ماه فوریه ۲۰۱۲ برگزار میشود

حزب حکمتیست پس از پلنوم ۲۲ تلاش برای تغییر ریل حزب حکمتیست

آذر مدرسی

این مطلب در تاریخ ۴ دسامبر، قبل از جلسه دفتر سیاسی حزب نوشته شده و برای دبیر کمیته مرکزی فرستاده شد. به تقاضای دبیر کمیته مرکزی مبنی بر موکول کردن بحث به دفتر سیاسی و فرصت دادن به دفتر سیاسی برای حل مسئله این نقد منتشر نشد. پس از جلسه دفتر سیاسی و تأیید عمل غیر قانونی هیئت دائم صورت مسئله تغییر کرد. از این نظر عدم انتشار آن تا امروز صرفاً برای نشان دادن این بود که جدال من با هیئت دائم و دفتر سیاسی اساساً دعوائی بر سر زیر پا گذاشتن قوانین از طرف رفقا است نه اختلاف سیاسی. امروز با روشن شدن این مسئله انتشار این مطلب لازم است.

نامه به دبیر کمیته مرکزی ضمیمه است.

۲۴ دسامبر ۲۰۱۱ ادامه در ص ۳ ←

از دفتر سیاسی حزب حکمتیست

به اعضا و کادرهای حزب

موضوع: گنگره ۵ حزب حکمتیست ص ۲

پلاتفرمی برای بازگشت به بستر اصلی چپ بورژوایی

بهرام مدرسی

مقدمه: بخشی از دفتر سیاسی حزب پلاتفرمی که مغایر با مصوبات و سیاست های تاکتونی حزب حکمتیست است را بعنوان نقشه عمل حزب منتشر کردند که باعث اعلام عدم صلاحیتشان در رهبری حزب شد. مستقل از پروسه تحمیل این پلاتفرم به حزب و تصمیمات بعدی ارگانهای رهبری حزب، باید به محتوای این پلاتفرم پرداخت. ص ۷ ←

پلاتفرم سیاسی، عملی هیئت دائم ص ۱۲

قابل توجه:

شماره ۲ نشریه گنگره در ۲۱ ژانویه منتشر می شود، لذا مطالب شما باید تا ۲۰ ژانویه به آدرس ایمیل گنگره ارسال شده باشد!

کنگره نرسیده است. با این توضیحات در شرایط ویژه کنونی این تنها و تنها راه سالم، مطمئن و قابل دفاع و ممکن است.

لذا ما بدین وسیله همه نمایندگان کنگره چهارم را به کنگره پنجم حزب فراخوان می‌دهیم. از همه شما صمیمانه درخواست می‌کنیم که در این کنگره شرکت کنید، مباحثات، انتقادات و هر بحثی را دارید، کنگره می‌تواند رسیدگی کند. تنها مکانی که می‌تواند به این وضع پایان دهد، کنگره است، تنها جایی که قانونا حق دارد میان خط رسمی حزب حکمتیست و خط بازننگری حزب که پلانفرم هیئت دائم آن را نمایندگی می‌کند، یکی را انتخاب کند، باز کنگره حزب است. ما، همه نمایندگان کنگره چهارم را، مستقل از اینکه سیاستا چه نظری دارند، چه نقد و انتقاد و اعتراضی دارند، را به کنگره فرامیخوانیم.

همچنانکه در نامه ۲۸ دسامبر دفتر سیاسی حزب به اطلاع عموم رساندیم، کنگره پنجم حزب حکمتیست در فوریه ۲۰۱۲ در اروپای مرکزی برگزار میشود. فوریت کنگره برای جوابگویی به وضع کنونی حزب بر کسی پوشیده نیست. ساده‌ترین و مشروعتربین راه در این فضا فراخواندن کل نمایندگان کنگره چهارم حزب به کنگره و به عنوان نماینده کنگره پنجم است. رهبری منتخب شما نمایندگان کنگره چهارم، به هر دلیلی دچار انشقاق شده است، و بازبینی و بازخواست این رهبری حق شما است. این رهبری به دلایل مختلف دچار دو دستگی شده است و امروز عملا حزب در وضع خطیری قرار گرفته است. ارزیابی در مورد این وضع و تصمیم در مورد کارکرد حزب و تعیین تکلیف با این وضع، در صلاحیت همه شما است. قبول کنید هیچ پروسه انتخاباتی در فضای امروز حزب ممکن نیست. هر نوع انتخاباتی خود به مرکز جدال کثداری تبدیل می‌شود که معلوم نیست سر از کجا در می‌آورد، هر کار و بحثی مهر جدال و انشقاق موجود حزب را بر خود می‌گیرد. در شرایطی که انتخابات کنگره چهارم مهر هیچ جناح بندی را بر خود ندارد، صلاحیت همه نمایندگان از جانب کنگره تائید شده است، پروسه انتخابات به اتفاق آرا همه نمایندگان تائید شده است، هیچ شکایاتی به

از: دفتر سیاسی حزب حکمتیست به: اعضا و کادرهای حزب حکمتیست

موضوع: کنگره ۵ حزب

رفقای عزیز!

تلاشهای دبیر کمیته مرکزی برای پلنوم فوق العاده متأسفانه عملا نه تنها با بی میلی و مخالفت رفقای منتقد حزب در هیئت دائم قرار گرفت، بلکه از جانب این رفقا مورد اهانت هم قرار گرفت که ذکر آن در شان شما و نه نامه ما نیست.

در حال حاضر و همچنانکه طیف وسیعی از شما رفقا ۲۲ کمیته مرکزی رسید. پلنوم بحث علنی یا مخفی بودن کنگره را مورد بحث قرار داد و با اکثریت آرا، تصمیم گرفته شد که کنگره علنی است. اتفاقات بعد از پلنوم و بعد از اعلام پلانفرم هیئت دائم که در پلنوم کنار گذاشته شده بود، حزب را وارد بحرانی عمیق کرد. خارج از هر ارزیابی که هر رفیق حزبی داشته باشد، حزب در وضع خطیری قرار گرفته است. دلایل این وضع در خود حزب و از جانب رفقای منتقد حزب و مدافعین خط تا کنونی خود مورد مناقشه است. همه راههای توافق و از جمله پیشنهادات مسئولانه احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان و لیستی و سیه از کادرها و اعضا سه حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان و حزب حکمتیست، عملا به بن بست رسیده است.

اعضا و کادرهای حزب در کنگره شرکت کنند، در این اوضاع حساس در سرنوشت حزب دخالت کنند و مستقیم و بی پرده در جریان همه مسائل قرار بگیرند. همچنانکه پلنوم ۲۲ حزب تصمیم گرفته است، کنگره ۵ حزب علنی است. لذا ما از همه شما خارج از هر انتقاد و اعتراض و بحثی که دارید را، به شرکت در کنگره حزب دعوت می‌کنیم.

همچنانکه اعلام کرده ایم، کنگره در اروپای مرکزی برگزار میشود، از همه اعضا و کادرهای حزب حکمتیست برای شرکت در کنگره دعوت می‌کنیم. خواهشمندیم شرکت خود در کنگره پنجم حزب را تنها با ادرس کنگره ۵ که در زیر ملاحظه می‌کنید، برای ما ارسال کنید.

با احترام فراوان

از طرف دفتر سیاسی حزب

خالد حاج محمدی

۲۹ دسامبر ۲۰۱۱



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

کنگره در اروپای مرکزی برگزار می‌شود و طبق تصمیم پلنوم ۲۲ کمیته مرکزی، کنگره علنی است. خواهشمند حضور خود در کنگره را فوری به اطلاع ما برسانید و لطفا تنها با آدرس مایل کنگره، با ما تماس بگیرید. ما در نامه های بعدی، شما را در جزئیات بیشتر کار کنگره قرار می‌دهیم.

با احترام فراوان

مسئول برگزاری

کنگره ۵ حزب حکمتیست

خالد حاج محمدی

حزب حکمتیست پس از پلنوم ۲۲ تلاش برای تغییر ریل حزب

آئر مدرسی

مدتهاست که مسئله وجود اختلاف سیاسی در حزب حکمتیست، دیگر یک واقعیت درون حزبی و مشغله اعضا و کادرهای این حزب نیست. مدتهاست که اختلاف نظر بر سر مسائل سیاسی مختلف از طرف رهبری حزب رو به جامعه طرح شده است. یک سنت قوی موجود در حزب حکمتیست از روز تاسیس این بود که این حزب بعنوان یک حزب سیاسی حزب تعدد نظر و وحدت اراده، که خود را در مصوبات و سیاستهای رسمی حزب نشان میدهد، است. حزبی است که وجود اختلاف نظر در خود را نه فقط کفر نمیداند بلکه آنرا بعنوان بخشی از حیات سیاسی خود به رسمیت میشناسد. سنت حزب حکمتیست، از بدو تولد به روشنی اعلام کرد که اتحاد ما برخلاف چپ فرقه ای نه اتحاد ایدئولوژیک است و نه اتحاد محفلی. ما حول احکام ایدئولوژیک، یا مراجع شخصی، متحد نشده ایم. حزبی سیاسی هستیم که برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی حول اهداف برنامه ای و سیاستهای رسمی و مصوب آن متحد شده ایم، که با ابزار و به اتکا مکانیسمهای رسمی و ارگانهای قانونی، تلاش میکنیم که این اهداف را متحقق کنیم. ما مبارزه مخفی و محفلیستی "سیاسی" در دالانهای حزبی را به رسمیت نمی شناسیم.

حزب حکمتیست، بعنوان یک موجودیت اجتماعی و سازمانی، تنها متعلق به احاد تشکیلات علنی آن نیست. و حزب حکمتیست متعلق به همه اجزا خود، در خارج کشور و در ایران است. بخش مهمی از فعالین این حزب در ایران بسرمیبرند که بدلیل شرایط امنیتی، امکان حضور مستقیم و دخالت در سوخت ساز روزانه حزب و شرکت در مباحثات ما را ندارند. حزب حکمتیست حزبی داخل کشوری است، با پایه وسیع اجتماعی. باید این موجودیت اجتماعی و "اعضا

کل این حزب وسیع اجتماعی" را به رسمیت شناخت، آنها را نیز در جریان مباحث سیاسی که حزب در آن درگیر است قرار داد، و دخیل کرد. به این منظور لازم است، آن بخش از حزب که امکان شرکت در مجامع علنی ما را ندارد، بطور مستقیم، شفاف و روشن، مبنای اختلافات سیاسی در حزب را، از زبان طرفین، بشنود. این امر تنها با اتکا به سنت مبارزه سیاسی علنی و شفاف ممکن است. سنتی که در عین حال جامعه را از سوخت و ساز سیاسی در اجزای اجتماعی، مطلع میکند. در حزب حکمتیست، همچون هر حزب سیاسی - اجتماعی، گرایشهای سیاسی مختلف در جنبش کارگری - چپ و کمونیستی، با هم همزیستی کرده و میکنند. این گرایشها همیشه تحت تاثیر مسائل سیاسی جامعه، در جدال و یا متحد اند. گاه اتحاد و جدال این گرایشها آشکار و گاه نهان است. در حال در هر مقطعی یک گرایش دست بالا را دارد و بقیه را در عمل متحد نگاه میدارد. تنها جریانهای فرقه ای، سکت های مذهبی، و احزاب حاشیه ای هستند که حول یک نگرش مطلق، متحد هستند. حزب حکمتیست از روز تولد چنین نبود. بررسی جدال گرایشها درون حزب حکمتیست در حوصله این نوشته نیست و حتما در فرصتی لازم است به آن پرداخت. با این وجود برای روشن کردن اختلافات امروز در حزب، لازم است که مقاطعی را مرور کرد.

پس از کنگره چهار حزب حکمتیست اختلاف نظرها، جهت ها و گرایشهای مختلف در سطح رهبری حزب خود را به شکل جدی تری نشان دادند. پس از عروج سبز و عقب نشینی که به کل اپوزیسیون و فضای چپ در جامعه تحمیل شد، و بعلاوه پس از خارج شدن رفیق کورش مدرسی از رهبری حزب، در رهبری حزب حکمتیست، سلسله انتقاداتی، گاه به شکل "گله و شکایت های شخصی"، "غرولند"، نکات پراکنده در

جلسات رسمی، و اساسا بشكل محفلی و در کریورهای حزب، مطرح شد. انتقاداتی که هرگز توسط کسی بصورت اسنادی برای تصویب، در هیچ ارگان حزبی مطرح نشد. این انتقادات نه انتقاداتی برای تدقیق، تکمیل سیاست موجود، و یا رفع کاستی های آن، که اساسا برای به اصطلاح شکل دادن به یک جریان برای "تغییر ریل" از خط موجود حزب حکمتیست بود. رئوس مهمترین این انتقادات، از جانب برخی از رفقای رهبری حزب مطرح میشد، از این قرار است: سیاست ما و تجربه داب، اشتباه بود. بر این متن، تعجیل حزب در ایجاد کمیته های کمونیستی، "نادرست بود".

سیاستهای ماکروتر حزب، مانند رئوس سند "آنچه باید آموخت"، مباحث "تبدیل شدن به یک حزب سیاسی توده ای در داخل کشور"، و اساسا "ساختن حزب در داخل کشور"، آنطور که در سند "اولیتهای پلنوم پانزده" مطرح میکند، "نادرست است".

طرح مباحث و انتقاداتی که از طرف سایر جریانهای چپ، از خانواده کمونیسم کارگر، در خارج از حزب به ما میشد، بخشا "وارد است". و حزب حکمتیست مباحث "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و شخصیتها"، و "حزب و جامعه" را به نفع گرایش "کارگری کارگری" کنار گذاشته است.

همانطور که بالاتر اشاره شد، هیچ یک از این نقدها به شکل شفاف و روشن و یا بصورت مصوبه در نیامد اما در لابلای بحثها اجلاسهای رسمی، بعنوان "نارضایتی"، طرح میشدند.

در پلنومهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ حزب حکمتیست تقابل این دو گرایش را به روشنی میشد دید. در پدیر پلنوم بیست، تحت تاثیر تحولات انقلابی در مصر، این گرایش عقب نشست و در پلنوم بیست و یک، اعضا کمیته مرکزی با اعلام تائید سیاستهای تاکتونی حزب، عملا به جریان "بازنگری" نه گفتند. این جریان در پلنوم بعدی به شکل دیگری خود را مطرح کرد. و در پلنوم بیست و دو اتفاق دیگری افتاد. پلنوم ۲۲ حزب حکمتیست نقطه تعیین کننده ای در حیات حزب حکمتیست است. همانطور که

در اطلاعاتیه حزب آمده است علیرغم مباحث سیاسی داغی که در این پلنوم در رابطه با اوضاع سیاسی ایران، روندهای موجود، صفتبندی نیروهای سیاسی و خطوط دخالتگری کمونیستی در این اوضاع و حول دو قطعهنامه پیشنهادی به پلنوم صورت گرفت. این پلنوم هم مانند پلنوم بیست و یک هیچیک از قطعهنامه ها و اسناد سیاسی را تصویب نکرد و به این معنی مصوبه سیاسی مصوبه های رسمی پلنوم ۲۲، سه سند است که در میان آنها دو سند نقش تعیین کننده ای در حزب داشته و دارد. پلنوم با تصویب دو سند ظاهرا سازمانی، "سازمان رهبری حزب" و قرار "بازگرداندن اختیارات سازماندهی حزبی در شهرهای کردستان به کمیته کردستان"، عملا به یکی از جهت های موجود در حزب در این زمینه ها تائید گذاشت. نه مسئله تغییر آرایش و سازمان رهبری شامل تغییر آرایش های معمول و تاکتونی در حزب و جنبش ما میشود و نه قرار "بازگرداندن اختیارات ...".

قراری صرفا سازمانی است. هر دو این اسناد حاوی تاکیدات، اولویتهای و جهتگیرهایی است که در اسناد سیاسی و مباحث سیاسی این پلنوم و پلنومهای قبلی مورد بحث و جدل بود. از این لحاظ است که پلنوم بیست و دو، علیرغم عدم تائید و تصویب یک سند سیاسی، علیرغم کنار گذاشتن دو پلاتفرم رهبری، و علیرغم این که اعلام کرد که این پلاتفرم ها را به دفتر سیاسی بعدی ارجاع نمی دهد و تماما از دستور خارج میکنند، با این وجود عملا یک جهت گیری را تائید کرد. و دو تغییر ظاهرا سازمانی، تغییراتی که پوشش اختلاف سیاسی پس از کنگره چهار آشکار و علنی سرباز کرده بود، به درجه ای تعیین تکلیف کرد. این پلنوم یک دفتر سیاسی شامل تعدادی از رفقای رهبری که هیچکدام سند سیاسی را به تصویب نرسانده بودند، را انتخاب کرد. در این دفتر سیاسی، هیتت دائم دفتر سیاسی، شامل تماما اعضای از رهبری حزب که متعلق به خط بازنگری بودند، انتخاب شد. و بعنوان ارگان رهبری نشسته حزب شروع بکار کرد. به این ترتیب رهبری حزب، رسماً حول مصوبات سیاسی، بلکه حول هیتت دائم، که موظف بود طبق آخرین مصوبات حزب، رهبری کند بلافاصله با شروع فعالیت پلاتفرمی را در تقابل با خط متمایز حزب تصویب و بعنوان سیاست حزب رو به بیرون اعلام کرد و از تشکیلاتهای حزب خواست که طبق آن عمل کنند. امروز از منظر حزب، از منظر جامعه، از منظر طبقه کارگر، جوانان، زنان کمونیستی که این حزب را حزب خود میدانند، در حزب حکمتیست "اتفاقی" افتاد. تبیین از این "اتفاق" نه در حزب و نه در جامعه یکی نیست. سند "پلاتفرم سیاسی، عملی هیتت دائم دفتر سیاسی حزب حکمتیست"، که به شکل غیرقانونی بعنوان سیاست حزب منتشر شده و به ارگانهای حزبی برای اجرا داده شده است، به روشنی میگوید چه اتفاقی در حزب حکمتیست افتاده.

سند "پلاتفرم سیاسی، عملی هیتت دائم دفتر سیاسی حزب حکمتیست" که ده روز پس از پلنوم بیست و دو صادر شده است. مهمترین مختصات یک گرایش را نشان میدهد. از آنجائیکه این سند از طرف هیتت دائم علنی و رو به جامعه به ندرست به نام حزب اعلام شده است، راهی برای کسی باقی نگذاشته است که در همین سطح به آن پرداخت. این پلاتفرم اعلام پیوستن به بستر اصلی چپ حاشیه ای خارج کشور است. واقعیت این است که جهتی که این سند اعلام کرده است خلاف مبانی سیاسی و مصوبات تا کنونی این حزب است. احکامی که در این سند آمده است، اسناد تاکتونی و رسمی ارگانهای رسمی این حزب از جمله گنگره دو و پلنوم ۲۱ حزب را، که یکبار دیگر همه سیاستهای تاکتونی حزب را تائید کرد، زیر سوال برده است. در این سند، ایجاد کمیته های کمونیستی از دستور خارج شده است! ساختن حزب در داخل معلق مانده است! سیاست های تاکتونی در رابطه با تشکل های موجود کارگر تغییر کرده است و یک "تغییر ریل" اساسی، که در ادامه آن را بیشتر باز خواهم

کرد، صحبت شده است. قاعدتا این احکام از جانب صاحبان آن قبل از اعلام به عنوان سند مصوب ارگان رهبری حزب، باید در مجامع حزبی طرح میشد، نقد جهت تاکنونی حزب شفاف و علنی اعلام میشد، تغییر ریل مورد اشاره رفقا و اینکه حزب روی ریل مورد نظرشان نیست میبایست برای حزب و جامعه روشن میشد. سندی که رفقا رو به جامعه اعلام کرده اند و احکامی که در ادامه به آنها اشاره میکنم، برای حزب حکمتیست سنگین و هویتی است. هر کادری در این حزب محق است خط تا کنونی حزب را به نقد بکشد، بحثهای خود در نقد جهت تا کنونی حزب را شفاف و علنی بگوید و اجازه بدهد حزب و جامعه هم در مورد آن قضاوت خود را بکنند. اما این کار را نمیتوان در قالب یک مصوبه و از جانب هیئت دائم که خود منتخب دفتر سیاسی و بخشی از فونکسیون کار دفتر سیاسی منتخب پلنوم است، و به عنوان رهبری حزب انجام داد. صلاحیت اعلام اینکه حزب حکمتیست باید تغییر ریل بدهد و به مباحث "حزب و قدرت سیاسی" برگردد، این که "حزب تا کنون روی خط حکمت نبوده است" برای این حزب هویتی و در صلاحیت کنگره این حزب است. کنگره های تاکنونی این حزب دانا اعلام کرده این حزب حکمتیست است، نه جهت ها و سیاستها و بینش و نگرش یک رگه فکری معین از کمونیسم معاصر، که منصور حکمت آنرا نمایندگی کرده، پایبند است. رفقای مخالف خط رسمی حزب، هیئت دائم، به جای اعلام شفاف بحث خود و اعلام سیاستی که از نظر آنها باید حزب حکمتیست در جهت اتخاذ آن و در تقابل با خط رسمی آن تغییر ریل دهد، خود در پلاتفرم این رفقا هم به خوبی مشاهده میشود. پلاتفرم رهبری هیئت دائم دفتر سیاسی پلاتفرمی در ادامه، تکمیل سیاستهای تاکنونی حزب حکمتیست نیست. به گفته خود سند پلاتفرمی است برای "تغییر ریل" و "ایجاد پلاتفرم مملو از اعلام وفاداری به خط منصور حکمت و سیاستهای تعیین شده از طرف

او است. این شاید برای یک کادر حزب حکمتیست جایگاه مهمی دارد اما برای کارگر کمونیستی که به سیاستهای این حزب نه از سر اعلام وفاداری و تعلق به خط خود بلکه از سر جواب به نیازهای مبارزه طبقاتی خود نگاه میکند هنوز مولفه ای درون حزبی و بخشا مکتبی است.

حزب حکمتیست و ضرورت تغییر ریل

سند هیئت دائم دفتر سیاسی پس از تاکید بر ضرورت ایفای نقش حزب در تحولات سیاسی آتی در ایران اعلام میکند که: "برای ایفای این نقش، حزب ما بر ظرفیتهای و تواناییهای مهمی از دستاورهای سیاسی و سازمانی و پراتیکی سه دهه اخیر کمونیسم حکمت تکیه دارد و در عین حال تناقض مسئله آنجا است که با کمبودها و نارساییهای سیاسی و سازمانی و سبک کاری خطیری هم روبرو است. وضع موجود حزب جوابگوی این رسالت نیست و سرعت باید تغییر کند. حزب ما به تغییر ریل و دگرگونیهای اساسی احتیاج دارد تا به عنوان حزب کمونیستی دخیل در مبارزات طبقه کارگر و هدایتگر کل جنبش آزادی و برابری و رهایی انسان عروج کند. در دل این تحولات پرچم انقلاب کارگری و سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی به جای آن را برافرازد. با استنتاجات روشن و امروزی از مباحث اساسی "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" تکان جدی به حیات سیاسی و دامنه تاثیر گذاری اجتماعی خود بدهد." (تاکیدات از من)

سند هیئت دائم دفتر سیاسی پس از تاکید بر ضرورت ایفای نقش حزب در تحولات سیاسی آتی در ایران اعلام میکند که: "برای ایفای این نقش، حزب ما بر ظرفیتهای و تواناییهای مهمی از دستاورهای سیاسی و سازمانی و پراتیکی سه دهه اخیر کمونیسم حکمت تکیه دارد و در عین حال تناقض مسئله آنجا است که با کمبودها و نارساییهای سیاسی و سازمانی و سبک کاری خطیری هم روبرو است. وضع موجود حزب جوابگوی این رسالت نیست و سرعت باید تغییر کند. حزب ما به تغییر ریل و دگرگونیهای اساسی احتیاج دارد تا به عنوان حزب کمونیستی دخیل در مبارزات طبقه کارگر و هدایتگر کل جنبش آزادی و برابری و رهایی انسان عروج کند. در دل این تحولات پرچم انقلاب کارگری و سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی به جای آن را برافرازد. با استنتاجات روشن و امروزی از مباحث اساسی "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" تکان جدی به حیات سیاسی و دامنه تاثیر گذاری اجتماعی خود بدهد." (تاکیدات از من)

در سند از کمبود و نارسائی صحبت میشود اما راه حل تاکید بیشتر بر یک جهت، بهبودی در پراتیک، رفع کمبودها و نارسائی ها نیست. بحث بسیار روشن بر سر تغییر ریل و دگرگونی های اساسی است که حزب حکمتیست به آن نیاز دارد. برای کسانی که با تاریخ جنبش کمونیسم کارگری آشنا هستند تغییر ریل دادن معنی بسیار روشن و صریحی دارد. تغییر ریل حزب کمونیست

سند همانطور که خود بیان میکند پلاتفرم این "تغییر ریل" و تغییر سیاست رسمی حزب است. که خود را اساسا در چند بند بیان میکند.

"ایفای نقش رهبری به عنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم و کمونیسم حکمت."

این بند ظاهرا نباید مورد مخالفت کسی باشد. اما اگر این بند را در متن "تغییر ریل" مورد نظر رفقا و بحث رفیق رحمان حسین زاده در سمینار مربوط به بحث "تحزب کمونیستی" مبنی بر "فاصله گرفتن حزب از میانی کمونیسم منصور حکمت"، "پاسیو بودن حزب در سه سال گذشته" قرار دهد متوجه میشوید که منظور عروج مجدد مارکسیسم و کمونیسم منصور حکمت در حزب حکمتیست است نه جامعه و یا در میان طبقه کارگر.

رفقا باید روشن نشان دهند و حزب را متوجه و قانع کنند که مصوبات و سیاستها حزب حکمتیست و بویژه رهبری تا کنونی حزب این سخنگویی و پرچم را زمین انداخته که رفقا خواهان بلند کردن مجدد آن اند؟

در بخش مربوط به "پرچم سیاسی کمونیستی، شکل دادن به آلترناتیو پرولتری در قبال قدرت سیاسی" انتظار طبیعی هر کسی این است که رفقا با توجه به مقدمه پلاتفرم و اشاره به اوضاع پیچیده کنونی و "تحولات مهم در چشم انداز" سیاسی امروز حزب را روشن کنند اما رفقا نه فقط حتی اشاره ای کبه اوضاع فعلی جامعه ایران و صغیندی نیروه‌های سیاسی نمیکند، بلکه دست به طرح مجدد بحث‌هایی میزنند که اگر علی العموم درست اند اما در این شرایط نه فقط کافی نیست، که نادرست و ناشی از تحلیل رفقا از اوضاع سیاسی و روندهای احتمالی در سیر اوضاع و نتیجتا استنتاجاتی جز استنتاجات تا کنونی حزب است. این نقد خط رسمی حزب، اما به شکلی غیر صریح و زیر جلکی است.

پلاتفرم در دل اوضاع به شدت بحرانی امروز به فضای جنگی، به تحریمها، به فضای به شدت خفقان آور در ایران، به کابوس سناریوی سیاه بر سر مردم، به تلاش مجدد سبز در به بیراهه بردن مبارزات مردم، به تلاش جمهوری اسلامی در استفاده از فضای جنگی و تشدید خفقان و تمام مولفه های ویژه امروز ایران نمی پردازد.

در دل چنین اوضاعی تلاش در "تبلیغ و توده گیر کردن شعار جمهوری سوسیالیستی به عنوان حکومتی که باید با سرنگونی جمهوری اسلامی برقرار شود." دیگر صرف اعلام وفاداری به جمهوری سوسیالیستی و تلاش برای کسب قدرت سیاسی و آلترناتیو جمهوری اسلامی شدن نیست. اعلام این "وفاداری" نه فقط خارج از متن است که نشان از این دارد که از نظر هیئت دائم حزب، اوضاع در ایران در دل فضای جنگی و تحریم به طرف تحولی انقلابی می‌رود و امروز به جای بستن سدی محکم در برابر تبلیغات جنگی دول

ارتجاعی غرب و هم پالگی هایشان در اپوزیسیون ایران، به جای بستن سدی در مقابل تشدید فضای سرکوب و خفقان از طرف جمهوری اسلامی باید تلاش کرد شعار جمهوری سوسیالیستی را توده گیر کرد تا در انقلاب و یاد تحول انقلابی که از نظر رفقا در راه است حزب آلترناتیو انقلابی خود در مقابل جمهوری اسلامی را برافرازد. این تغییر ریل و دگرگونی جدی در سیاست حزبی است که به قدمت تاریخ خود همیشه اعلام کرده هر گلوئی ای که به طرف جمهوری اسلامی شلیک شود به عمر جمهوری اسلامی می افزاید، اعلام کرده که تحریم سلاح کشتار جمعی است و در مقابل کل چپ سنتی و غیر کارگری که به نام کارگر و انقلاب امید به تحولی انقلابی در دل فضای جنگی و تحریم را در میان طبقه کارگر کاشته سدی محکم بسته است. حزبی که با بستن همین سد بارها و بارها مهر پاسیو، لیبرال، ضدیت با "جنبش توده ای و جنبش جاری و انقلاب مردم" را خورده و مقاومت کرده و همین ایستادگی اش توجه هر کمونیست و انسان آزادیخواهی را به خود جلب کرده. این یکی از خصوصیات متمایز این حزب بوده که این رفقا خواهان ایجاد دگرگونی جدی در آن هستند. این پیوستن خجولانه به خیل جریانانی که تحت نام انقلابیگری و ضدیت با جمهوری اسلامی و امروز ضدیت با احمدی نژاد در دل این اوضاع بحرانی مردم را به خیابان آمدن و انقلاب زیر چکمه ناتو فرامیخوانند، نیست؟

سه سال از جنبش سبز میگذرد و امروز هر انسان منصفی میتواند به هشدارهای ما به اپوزیسیون جمهوری اسلامی نگاه کند. گفتیم این جنبش ارتجاعی است و گفتیم مردم فریب نخورید. متأسفانه بخش اعظم اپوزیسیون ایران زیر پرچم جنبش سبز رفتند و بخشی از مردم متوهم نیز فریب خوردند. تأثیرات این دوره و عقب گردی که به جامعه تحمیل شد را هم شاهدیم. امروز یکی از مسائل جدی که در پلاتفرم رفقا مشهود است دیدن یک انقلاب جاری دیگر و در دوره

ای دیگر است. توهم به انقلاب و تحول انقلابی در دل خطر جنگ و فضای جنگی دیگر از امید جریانات چپ در دل جنبش سبز هم پوچ تر است. اگر خطر حمله هست که رفقا منکرش نیستند، اگر خطر از هم پاشیدگی جامعه در صورت حمله و فاجعه ای در این جامعه هست که باز انکار نمیکند، با اتکا با کدام فاکتورهای واقعی، در دل این اوضاع جدا از خطر سناریوی سیاه، احتمال تحول انقلابی هم موجود است؟ کدام جنبش آماده و حی و حاضر امروز در میدان است که خطری جدی، از زوایه یک سناریو سفید، برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است که باید مهر خود را به آن زد و در دل تحول انقلابی امکان قدرت گیری کارگر را فراهم کرد؟

رفقا با سراب "انقلاب جاری" جدیدی و با امید و توهم به چنین انقلابی در فضای امروز ایران، و با کاریکاتور کردن بحث حزب و قدرت سیاسی و تبدیل آن، به کار ضد رژیم و تبلیغ، فکر میکنند، فردا سوار انقلاب خواهند شد. نه احتیاجی به ساختن حزب در ایران و نه احتیاج به کمیته های کمونیستی و ساختن آن به عنوان شکل دادن به ستون فقرات، سازمانی توده ای و قوی است. تنها از راه دور و با اطلاعیه دادن و داشتن تلویزیون و.... میتوان طبقه کارگر و توده وسیعی از مردم به تنگ آمده از دست جمهوری اسلامی را به خود جلب کرد و رهبر آنها شد. این متأسفانه نگاه بخش زیادی از احزاب چپی است که به جامعه مربوط نیستند و بخشی از آنها که شعبات مختلف جریان ماست که چندین سال است شو تلویزیونی را اساس کار خود گذاشته اند و به امید این نشسته اند که فردا مردم آنها را به عنوان رهبران انقلاب به رسمیت بشناسند. بحث رفقا در خصوص تحول انقلابی و درک رفقا از حزب و قدرت سیاسی و قسم خوردن به آن از این چهارچوب خیالی فراتر نیست.

تقابل دروغین شورا، مجمع عمومی و سندیکا

"ما پرچمدار جنبش مجامع عمومی و شورایی هستیم.

مصوبه پایه ای حزب ما "شورا، مجمع عمومی، سندیکا" مبنای هویتی کار سازماندهی توده ای ما در میان کارگران است. در این زمینه فعالیت متمرکز برای تقویت و گسترش جنبش مجامع عمومی را در دستور میگذاریم. از اشکال دیگر سازمانیابی توده ای امثال سندیکا و ... که با اتکا به نیروی کارگران و مستقل از دولت ایجاد میشوند، حمایت میکنیم و در رشته های پراکنده کارگری خود میتکر سازماندهی آن خواهیم بود."

قاعدتا در اینکه "ما پرچمدار جنبش مجامع عمومی و شورایی هستیم" شکی نیست. اما این بند بطورعلی العموم اعلام تعهد به یک سیاست نیست. این بند را باید در متن اوضاع امروز قرار داد. در دنیای امروز روی زمین سفت یک تعرض آشکار به تشکلهای کارگری و رهبران آن تحت عنوان "مقابله با گرایش راست سندیکالیستی" و با پرچم "دفاع از جنبش مجمع عمومی" به راه افتاده است. رهبران و فعالین کارگری از طرف چپ غیر کارگری و خرده بورژوازی تحت عنوان سندیکالیست، طرفدار احمدی نژاد، ضد شورا، سازشکار و حکمتیستی مهر خورده اند. دو قطبی کاذب شورا- سندیکا ایجاد شده تا تعرضی ضد کارگری البته از موضع "چپ" علیه تشکلهای موجود و فعالینی که حق آب و گل جریانات سیاسی حاشیه ای را در جنبش کارگری به رسمیت نمیشناسند، بتازند. تعرضی که با سدی محکم از جانب خود این فعالین و بخشی از رهبری حزب ما روبرو شد. در این اوضاع و احوال این بند اولاً اعلام به رسمیت شناختن دو قطبی کاذب شورا- سندیکا و تقابل ایندو با هم است و در عین حال و مهمتر اعلام هم جبهه بودن صاحبان پلاتفرم با کل جریانات حاشیه ای که چنین تعرضی را به تشکلهای موجود کارگری و رهبران و فعالین آن کردند، است. این اعلام وفاداری تهی و ایدئولوژیک به مجمع عمومی و مدافع آن بودن، خاصیت درونی و با هدف جلب توجه کسانی است که مدافع خط حکمت اند.

مجمع عمومی که امروز شاهد تشکل یابی کارگری است، کمونیستی که از زوایه یک کارگر برای گرفتن ابتدائی ترین حق خود، حق معاش، به سرپناه و قدرت جمعی احتیاج دارد، چنین کمونیستی از هر ابزار تلاش برای ایجاد اتحاد در میان کارگران، صمیمانه دفاع خواهد کرد. امروز و در این یکی دوسال اخیر که شاهد تحركاتی از جانب فعالین کارگری برای ساختن سندیکا بوده ایم، اعلام طرفداری از "شورا و مجمع عمومی" در مقابل "سندیکا"، نه امری در خدمت تشکیل هیچکدام از این تشکل ها، که ابزار ایدئولوژیک چپ سنتی بی ربط به طبقه کارگر است، برای "مرزبندی" با واقعیات مادی مبارزه جاری طبقه کارگر. چپ سنتی ایران تاریخی از اینگونه "مرزبندیهای" سطحی، ذهنی و مریخی دارد. این جبهه ای است که این رفقا، در مقابل تلاش طبقه کارگر برای سازمانیابی خود، گرفته اند. این هم بخشی از "تغییر ریل" و عقبگردی است که پلاتفرم خود را نماینده آن میداند.

سازمان حزب در داخل و کمیته های کمونیستی

در سازمان دادن حزب در داخل، پلاتفرم همچنان سیاست جدیدی را در مقابل حزب قرار میدهد و میگوید: "حوزه های حزبی: با در نظر گرفتن شرایط امنیتی اعضای حزب را در حوزه های حزبی متشکل میکنیم." و مهمتر از آن در مورد کمیته های کمونیستی پلاتفرم میگوید: "با گسترش نفوذ ما و به ویژه با در نظر گرفتن تناسب قوا و بهبود اوضاع امنیتی، با اتکا به رهبران کارگری، آژیتاتورها و فعالین کمونیست درون طبقه کارگر، کمیته های کمونیستی و حزبی را ایجاد میکنیم. شاخص مهم برای رسمیت دادن به این کمیته ها، درجه اطمینان به ادامه کاری آنها بعد از اعلام موجودیت آنها است. نباید کمیته ها را زودرس و تصنعی و فقط با ابتکار از بالا ایجاد کرد. در پیدایش شرایط مساعد این کار، فاکتور اولاً تناسب قوای مساعد و اوضاع امنیتی و ثانیاً درجه آمادگی رهبران کارگری و فعالین کمونیست کارگران برای ایفای نقش خود در قالب کمیته کمونیستی رهبری کننده

را باید در نظر گرفت."

این بند علاوه بر اینکه حاوی نقدی از فعالیت دوره گذشته حزب است، به زبان ساده و روشن کنار گذاشتن سیاست کمیته های کمونیستی را اعلام میکند. البته تحت لوای موکول کردن تشکیل کمیته های کمونیستی به آینده ای نامعلوم که توازن قوا مناسب باشد. در همین سند اما رفقا میگویند "سازماندهی و فعالیت هدفمند گارد آزادی باید گسترش یابد. فرماندهی گارد آزادی در سطح سراسری و در کردستان طبق نقشه روشن پیشروی این عرصه مهم را باید تضمین کنند. نسل جوان و انسانهای علاقمند را باید در این عرصه سازمان دهد." و "تلاش برای اجرای پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم و از میان برداشتن مشکلات سر راه آن. حفظ پتانسیل مسلح حزب در کردستان" در دستور حزب قرار میگیرد. ظاهراً امروز توازن قوا برای تشکیل کمیته های کمونیستی مناسب نیست اما برای گسترش واحدهای گارد آزادی و نه فقط در کردستان که در سراسر ایران کاملاً مناسب و مهیا است. کمیته های کمونیستی مصوب رهبری حزب بود، در کنگره دوم حزب مجدداً مورد تأیید قرار گرفت و پس از آن پلنوم ۱۵ و پلنوم ۲۱ حزب مجدداً آن را تأیید کردند. تنها مرجع صلاحیت دار برای رد این سیاست کنگره حزب است نه هیئت دائم و پلنوم کمیته مرکزی!

اما مهمتر از آن کمیته های کمونیستی یکی از منلهای سازماندهی حزب نیست که به تناسب قوا مربوط باشد. کمیته های کمونیستی متکی بر نقدی روشن و صریح از سبک کار چپ حاشیه ای و دقیقاً نشان از جدائی سبک کاری از سنتی بود که صرفاً اعضا خود را مستقل از موقعیت اجتماعی و مبارزاتی اش سازمان میدهد، بحث بر سر شروع از موقعیت اجتماعی و نقش اجتماعی حزب و تبدیل آن به موقعیت رهبر اجتماعی در محل، در دل مبارزه روزمره طبقه کارگر و جامعه بود. کمیته های کمونیستی متکی کردن حزب به مکانیسمهای اجتماعی رهبری و تغییر کاراکتر اجتماعی حزب و تبدیل آن به ظرف طبیعی مبارزه جامعه در بخشهای مختلف بویژه در میان کارگران و رهبران عملی و بخصوص طیف کارگران رادیکال سوسیالیست بود. کمیته های کمونیستی سازماندهی اجتماعی یک حزب کمونیستی است که میخواید حزب سیاسی توده ای

در ایران باشد، و یکی از پیشرویها و دستاوردهای سازمانی، سیاسی و تئوریک حزب حکمتیست است. کمیته های کمونیستی نمونه ای از سازمانیابی اجتماعی کمونیستی در مقابل سازمانیابی غیر اجتماعی چپ سنتی است و مطلقاً ربطی به توازن قوا ندارد. در اسناد پایه ای این حزب در مورد کمیته های کمونیستی توازن قوا صرفاً در نحوه فعالیت کمیته ها تأثیر میگذارد نه موجودیت و تشکیل آن. به آینده موکول کردن کمیته های کمونیستی به بهانه "توازن قوا نا مناسب" و دلایل فنی اینچنینی مخالفت با کل فلسفه وجودی یک حزب سیاسی توده ای و سازماندهی کمونیستی و اجتماعی و تغییر کاراکتر اجتماعی حزب است. این استنتاجی از مباحث "حزب و جامعه" و "حزب و شخصیتها" است که در مقابل تصویر سکتی و درون حزبی دادن از این مباحث ارزشمند، خود را نه فقط در به رسمیت شناختن شخصیتهای درون حزب که سازمان حزب را در داخل متکی به شخصیتها و رهبران عملی در محل میکند. رفقای ما با این استنتاج اختلاف دارند و آنرا تحت عنوان توازن قوا نا مناسب طرح میکنند. تناسب قوا اجازه نمیدهد، بدلیل توازن قوا ممکن نیست توجه آشنای چپ غیر اجتماعی و فرقه ای در توجیه بی نقشی و بی تأثیری خود در جامعه است. کار کمونیستی و کمیته کمونیستی به عنوان فونکسیون اجتماعی و حزبی آنرا نمیتوان با توازن قوا آماده نیست جراب داد. باید از رفقا پرسید اگر توازن قوا برای انقلاب آماده است، اگر در دل تحولاتی تعیین کننده ای هستیم که باید مهر خود را به آن بزنیم، دیگر چرا نوبت به کمیته کمونیستی میرسد توجیه تناسب قوا را پیش میکشند. معلوم نیست رفقا که فکر میکنند تحولات جامعه در حدی است که یک احتمال هم انقلاب و تحول انقلابی است، اما توازن قوا برای کمیته کمونیستی آماده نیست، این انقلاب را با اتکا به کدام جنبش، کدام صف آماده کمونیستی، کدام تشکیلات با نفوذ پیش میرند؟ روشن است کسی که کار کمونیستی جدی، سازمان حزبی با نفوذ و متحد کردن رهبر و فعال بانفوذ کمونیستی را به نام توازن قوا کنار میگذارد، اتکایش هم به پایه حزبی و کمونیستی کارگری در کارخانه و محل کار نیست. این حزب لازم نیست در داخل به یک حزب توده ای تبدیل شود. همین

موجودیت خارج کشوری آن برای به پیروزی رساندن ده انقلاب هم کافی است. نقد و سیاست پلاتفرم همان ارزیابی و سیاستی است که رفیق رحمان در خلال بحث تحزب کمونیستی طرح کرد. سیاستی که تا بحال به تصویب نرسیده است. پلنوم یا کنگره ای نرسیده است. پلاتفرم اعلام به نتیجه رسیدن این بحث در هیئت دائم است. باید دید کمیته مرکزی و کل حزب چه میگوید. دقیقاً از همین جا است که ساختن و انتقال حزب به داخل که یکی از تأکیدات این حزب و خط حاکم بر آن بوده و خود را در سازمان حزب، مشغله های آن، اختصاص نیروی حزب و تلاش در دادن کاراکتری دیگر به حزب خود را نشان میداد. در پلاتفرم رفقا غایب است. تمرکز حزب و سازمان آن بر کار در میان پرولتاریای صنعتی را که نتیجه مباحثی جدی در حزب و از سر اهمیت و وزنه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این بخش از طبقه کارگر در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه، ضرورت توجه جدی به این بخش از طبقه کارگر و بالاخره متکی کردن حزب و سازمان داخل آن به این بخش، تبدیل مشغله های این بخش طبقه کارگر به مشغله رهبری حزب که در مباحث و اسناد متعدد این حزب که آخرین آن سند اولویتهای پلنوم ۱۵ و سند اولویتهای حزب در کنگره چهارم حزب است، دیده میشود، در پلاتفرم هیئت دائم از قلم می افتد. برای حزب کمونیستی بدون این، از دستور خارج کردن ساختن پایه های یک حزب سیاسی قدرتمند برای انقلاب کارگری است. وزنه کمیته سازماندهی بعنوان ابزار این سیاست و بروز سازمانی این جهتگیری در پلاتفرم رفقا نه فقط مشهود نیست که کاملاً به فراموشی سپرده شده است. در پلاتفرم رفقا حزب در خارج، حزب در کرستان، گارد آزادی و حتی حزب در خاورمیانه، که همگی وجوهی مهم از فعالیت حزب اند، معنی دارد اما به حزب در داخل نه فقط اشاره ای نشده که ارگان حزبی آن و کمیته های کمونیستی آن رسماً از دستور رهبری حزب خارج شده اعلام میشود. حزب باید با این تغییر ریل پلاتفرم هم تعیین تکلیف کند.

"حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه"

"تغییر ریلی" که رفقا خواهان آن

اند و خود را نماینده آن میدانند را میتوان در تصویر دو قطبی کاذب حزب سیاسی توده ای و داخل کشوری و حزب طرفدار "حزب و قدرت سیاسی" دید. در حذف کل جهتگیری و سیاست حزب در ساختن حزب در داخل، در تغییر کاراکتر اجتماعی حزب، و در مقابل آن تعهد دانهای مورد و بی مورد به حزب و قدرت سیاسی میتوان دید. این جهت که "استنتاجات مداوم از مباحث پایه ای" "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" و حدادی کردن ابزارها و امکانات و ابتکاراتی که حزب را قابل دسترس جامعه و طبقه کارگر میکند. "آلترناتیو رفقا در مقابل کل سیاستها، جهتگیریها و خصوصیات ویژه و متمایز این حزب است. ابزاری که قرار است این "استنتاج مداوم" را اجرا کند گارد آزادی، رادیو و تلویزیون و حضور رهبران کمونیست در میان مردم است. حزب حکمتیست استنتاج معین و متفاوتی از مباحث حزب و قدرت سیاسی و حزب جامعه داشت. آنهم تبدیل شدن به یک حزب اجتماعی، سیاسی و توده ای با اتکا به مکانیسمهای اجتماعی، با اتکا به دخالت در مبارزات روزمره طبقه کارگر بود. حزبی که باید به یک حزب سیاسی توده ای در داخل کشور تبدیل شود، حزبی با موجودیتی قوی داخل کشوری باشد، حزبی که محمل اتحاد طبقه کارگر باشد، حزبی که ستون فقرات آن طبقه کارگر است و به پایه اجتماعی خود وصل است، حزبی که محابا کمبودهای خود در این زمینه را نقد میکند، حزبی که برای کسب قدرت سیاسی آماده است، حزبی که متکی به شخصیتهای اصلی جنبشهای اجتماعی و بویژه جنبش کارگری و نسل جدید کمونیست ها در ایران است. پلاتفرم هیئت دائم اما استنتاج دیگری از این مباحث دارد که به استنتاجات رایج در جریانات موسوم به کمونیسم کارگری بسیار نزدیک است. تغییر ریلی که پلاتفرم نماینده آن است نزدیکی به این استنتاجات است. پلاتفرم به نام "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" زندگی در حاشیه و در خارج را تئوریزه میکند. جهتی که کل چپ غیر کارگری و تبعیدی دارد. جهتی که کار کمونیستی را به تبلیغ از راه دور و از طریق تلویزیون و رادیو خلاصه میکند و فکر میکنند آنها تبلیغ میکنند و به این وسیله بر فردای انقلاب در ایران سوار بر

انقلاب خواهند شد. و به همین دلیل نه نیازی به سازمانی در داخل دارند، نه نیازی به فکر کردن به سازماندهی اجتماعی طبقه خود دارند و نه نیازی به حزبی متکی به مراجع و ارگانها و مصوباتش. حزبی که دستگاه تبلیغی و شخصیتپاش به اضافه انقلابیگری ضد رژی میاش برای رهبر انقلاب شدن کافی است. تصویری که صد و هشتاد درجه با تصویر و تجربه لنین، با تصویر و سیاست منصور حکمت و سیاستهای تاکتونی این حزب متفاوت است. جهت رسمی و تاکتونی حزب حکمتیست این بوده و هست که باید حزب را به داخل منتقل کرد، اینکه این حزب فقط موجودیت تبعیدی و خارج کشوری آن نیست، باید آنرا به پایه اجتماعی وسیعی که در ایران داریم متکی کرد، حزب داخل کشور را در سرنوشت جنبشی و حزبی خود دخیل کنیم، حزب داخل کشور را به رسمیت بشناسیم. اینکه عدم رفتن روی این جهت هر حزب کمونیستی را مستقل از استواری ایدئولوژیک - سیاسی کادرها و رهبران آن، به موجودی بیگانه به جامعه و حاشیه ای تبدیل میکند. تغییر ریل رفقا تلاشی برای بازگرداندن حزب در نیم راه این تلاش است. متد این رفقا تبدیل کردن مباحث مهم منصور حکمت، به تئوریهای ایستا. استفاده از مباحث منصور حکمت بعنوان آیه هایی که باید آنها را تکرار کرد، و همچون ورد به اطراف خواند، به این امید که خود این آیه ها راه متحقق شدنشان، در دنیایی که دیگر منصور حکمت در آن نیست، را باز کنند و محصول دهند. این نه شایسته منصور حکمت است، نه مارکس و نه لنین و در دنیای امروز چپ جهان، صفی از کسانی که خود را به اصلاح مارکسیست - لنینیست میدانند، مشغول این نوع فعالیت مذهبی - سیاسی هستند، کم نیست.

پلاتفرمی برای بازگشت به بستر اصلی چپ بورژوایی

بهرام مدرس
دسامبر ۲۰۱۱

مقدمه: بخشی از دفتر سیاسی حزب پلاتفرمی که مغایر با مصوبات و سیاست های تاکتونی حزب حکمتیست است را بعنوان نقشه عمل حزب منتشر کردند که باعث اعلام عدم صلاحیتشان در رهبری حزب شد. مستقل از پروسه تمویل این پلاتفرم به حزب و تصمیمات بعدی ارگانهای رهبری حزب، باید به محتوای این پلاتفرم پرداخت.

آنچه که نقطه تمایز حزب حکمتیست را در مقابل سایر جریانات، احزاب و گرایشات چپ بورژوایی توضیح میدهد، نه مواضع متفاوت آن در قبال مسایل سیاسی روز، که این هم هست و نه دستاوردهای تاکتونی آن از زمان تشکیل این حزب، که این هست، میباشد. تفاوت این حزب را بدو باید در جایگاه طبقاتی متفاوت آن، رابطه اش با طبقه کارگر و به این اعتبار نقطه شروع متفاوتش با سایر جریانات مدعی کمونیسم دید. چیزی که همه آن مواضع سیاسی متفاوت و دستاوردهای متفاوت را توضیح میدهد.

حزب حکمتیست خود را متعلق به آن گرایش کمونیستی در جنبش کارگری میدانند که عمیقترین نقد مارکسیستی را به جامعه، نظام اقتصادی حاکم بر آن، روبنای آن، احزاب و نیروهای دخیل در آن و راه پیروزی طبقه کارگر از نکبت جامعه سرمایه داری را نمایندگی میکند، میدانند. این مبدأ اختلاف مواضع این حزب در رویدادهای سیاسی و راهکارهای آن در مراحل مختلف مبارزه طبقاتی و دستاوردهایش است.

نقد گرایش کمونیستی طبقه کارگر به زندگی اش و راه نجات خود از آن سوار بر عمیقترین نقد مارکسیستی به سرمایه داری است. از اینجا به چالش با شکل حاکم بر این جامعه، جمهوری اسلامی، میرود. همین اختلاف سرنگونی طبلی این کمونیسم را با

تفکر چپ سنتی را چنین توضیح میدهد: " یکی از ارکان نگرش تشکیلاتی چپ غیر پرولتری در ایران دو قطبی حزب - توده ها است. در این تصور در یکسو حزب یا سازمان قرار دارد به مثابه یک ارگانیک فشرده، منضبط، رزمزنده و آگاه برای عمل انقلابی، و در سوی دیگر، توده های کارگر قرار میگیرند، بصورت جمع عددی آحاد کارگر، یک توده بی شکل از کارگران منفرد، متفرق، مظلوم واقع شده ساده دل و بی اطلاع از علل فقر و رنجشان، سازمان "رد" کارگران را میداند، آنان را آگاه میکند، به ضرورت مبارزه واقف شان میسازد و یک به یک آنان را به صفوف خود، یعنی به مبارزه مضبط تشکیلاتی در درون سازمان، جذب میکند. این شاید بیان ساده و اغراق شده ای از تفکر سازمانی چپ سنتی در ایران باشد، اما به هر حال جوهر این تفکر را بیان میکند. دو قطبی سازمان - توده ها موضوع و تم هزاران جزوه و اعلامیه و مقاله در نشریات سازمانهای چپ پوپولیست ایران بوده است. این برداشت از رابطه حزب و طبقه در واقع تمیمی مبتنی بر زیست اجتماعی و مکانیسم رهبری و مبارزه سیاسی خورده بورژوازی است. قشری که در سطح سیاسی نیز مطالباتش توسط همین چپ تحت نام کمونیسم تبلیغ میشد. - منصور حکمت، سیاست سازماندهی ما در میان کارگران. تأکید از من

است، اینکه تشکل، همکاری، هماهنگی و کار برای هدف واحد امر داده شده زندگی روزمره طبقه کارگر است، اینکه طبقه کارگر با شناخت "ظلم و ستم" طبقه حاکم متولد شده است و مبارزه برای زندگی بهتر و دفاع از حق حیات خود امر داده شده و بخشی از زندگی روزانه این طبقه است، اینکه برای این طبقه دفاع از کمترین مطالباتش و زندگی و آینده فرزنداناش جنگی روزانه، تعطیل ناپذیر و همیشگی علیه سرمایه و دولت است. همه اینها در نگرش چپ بورژوایی به طبقه کارگر جایی نداشته و ندارند.

به رسمیت شناختن همه اینها هم اما این چپ را مارکسیست نمیکند! تفاوت مارکسیسم با انواع مختلف مکاتب کمونیستی پیش از او نه در کشف همه اینها بلکه در نشان دادن نقد طبقه کارگر به سرمایه داری و توضیح کارمزدی و مالکیت خصوصی و نشان دادن راه پیرویش بر حاکمان سرمایه است. نقدی که تنها با شناخت و به رسمیت شناختن و فهمیدن همه آن خصوصیات گفته شده بالا ممکن میشود. چپ سنتی و بورژوایی با صدای بلند احکام مارکس را تکرار میکند و پرهیجان تر از هر کسی اعلام میکند که حق با مارکس است، به نقدهاشان اما دقت که میکنید عزیز از ریکاردو و سیسموندی هستند. دلیل آن چیست؟ اگر فاصله میان ریکاردو و مارکس را، ارزیابی متفاوت آن ها از پروسه تولید سرمایه دارانه توضیح میدهد، فاصله میان چپ بورژوایی و مارکسیسم را باید در نشناختن خود طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی توضیح داد این چپ به "برونو باور" نزدیک است تا مارکس. "خانواده مقدس" را باید یکبار دیگر در جواب این چپ بورژوایی منتشر کرد. "ریکاردو"، "سیسموندی" و "پرودون" به این اعتبار هزار بار نزدیکتر به مارکسیسم بودند تا چپ بورژوایی که امروز پرهیجان از مارکسیسم دفاع میکند اما مارکسیسمش ربطی به طبقه کارگر ندارد. این شامل کل آن چپی در سطح جهان هم می شود که بنام مارکسیسم سخن میگوید، اما کوچکترین ربطی

نه به طبقه کارگر و نه مارکسیسم دارد. اگر مارکس در "مانیفست کمونیست" درباره سایر احزاب کارگری چنین میگوید: " کمونیستها حزب خاصی نیستند که در برابر دیگر احزاب کارگری قرار گرفته باشند. آنها هیچگونه منافعی، که از منافع کلیه پرولتارها جدا باشد ندارند.

آنها اصول ویژه ای را بمیان نمیآورند که بخواهند جنبش پرولتاری را در چهارچوب آن اصول ویژه بگنجانند. فرق کمونیستها با دیگر احزاب پرولتاری تنها در این است که از طرفی، کمونیستها در مبارزات پرولتارهای ملل گوناگون، مصالح مشترک همه پرولتاریا را صرف نظر از منافع ملیشان، در مد نظر قرار میدهند و از آن دفاع مینمایند، و از طرف دیگر در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی طی میکنند، آنان همیشه نمایندگان مصالح و منافع تمام جنبش هستند. " (مانیفست کمونیست- فصل دوم، تأکید از من)

این را بطور قطع درباره چپ بورژوایی امروز نمیتوان مدعی شد. این چپ با ندیدن طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی، کل این طبقه و سیاست مربوط به آن را از صحنه نگرشش به جامعه و خود حذف میکند و به این اعتبار از دایره "مانیفست کمونیست" خارج میشود. این چپ برای تحقق اهداف خود احتیاجی به این طبقه بعنوان یک طبقه ندارد. در بهترین حالت مترسد فرصت برای "حذب" آحاد این طبقه به صفوف خود است. اگر میشد مختصات کمونیسم پیش از مارکس را با نقدهش به سرمایه داری شناخت، مختصات چپ بورژوایی را اما باید در تعریفش از رابطه اش با طبقه کارگر شناخت. چنین تعریفی غیر طبقاتی نیست. توضیح رابطه میان حزب و طبقه بیان برداشت قشر معینی در جامعه از خود و طبقات دیگر است. برداشتی که مبتنی بر نوع معینی از زیست اجتماعی و اهداف سیاسی منطبق با آن است. هیچ بخش یا آحادی از طبقه کارگر نمیتواند منکر وجود خود بعنوان یک طبقه اجتماعی باشد. این در بهترین

حالت یا اقتصاری از خرده بورژوازی است که بسته به جایگاهش در زیست اجتماعی و تولید عاجز از درک این است و یا در بدترین حالت بخشی از دستگاه پروپاگاندا بورژوازی است که برای احماق طبقه کارگر وجود طبقات را از بنیان منکر میشود. هیچ رجوع آتشیستی به مارکس یا منصور حکمت تغییری در این واقعیت نمیدهد.

با این مقدمه به پلاتفرم رفقا بپردازیم:

پلاتفرم حزب حکمتیست را "به مثابه بخش متحزب کمونیسم پرولتری در ایران" معرفی میکند. "بخش متحزب کمونیسم پرولتری" در تصویری که مارکس از طبقه کارگر بدست میدهد به معنای تشکل آن بخشی از طبقه کارگر که نقد مارکسیستی به سرمایه را بر پرچم خود حک کرده است، است. به معنای تعلق و تشکل گرایش معینی از طبقه کارگر در این حزب است. این برای فعال مارکسیست طبقه کارگر در روسیه پیش از انقلاب اکتبر به معنای تحزب کمونیستی خود در ظرف معینی بود همانطور که برای فعال کمونیست طبقه کارگر در سال ۱۸۴۸ به معنای اعلام تفاوتش با سایر احزاب پرولتری درون طبقه کارگر بود و در هردو مورد به معنای تشکل بخشی از طبقه کارگر حول اهداف مشترکی هستند.

یکی از مبانی اصلی کمونیسم کارگری که منجر به تاسیس حزب کمونیست کارگری شد، یکی از مبانی اصلی که منجر به جدایی ما از آن حزب و تاسیس حزب حکمتیست شد همین نکته بود. برنامه یک دنیای بهتر اعلام میکند: "کمونیسم کارگری جنبشی جدا از کل طبقه کارگر نیست و منافعی جدا از منافع کل طبقه کارگر دنبال نمیکند. تفاوت جنبش کمونیسم کارگری با سایر جنبشها و احزاب کارگری در اینست که اولاً، در مبارزه طبقاتی در هر کشور، پرچم وحدت و منافع مشترک کارگران سراسر جهان را بر میافرازد و ثانیاً، در مراحل و جبهه های مختلف مبارزه طبقه کارگر، مصالح کل جنبش طبقه کارگر را نمایندگی میکند. کمونیسم کارگری لاجرم جنبش پیشرو ترین بخش طبقه کارگر

است که شرایط و ملزومات پیروزی و هدف نهایی مبارزه طبقاتی را بدرستی میشناسد و میکوشد بخش های مختلف طبقه کارگر را به میدان بکشد." و در پایان: "حزب کمونیست کارگری - حکمتیست طبقه کارگر و همه کسانی را که خود را در آرمانها و اهداف حزب شریک میدانند به پیوستن به صفوف خویش فرا میخواند."

پیش شرط اعلام این در برنامه یک دنیای بهتر به رسمیت شناختن یک واقعیت اجتماعی و اعلام تعلق خود به آن واقعیت و در پایان فراخوان پیوستن یک گرایش به خود است. اعلام این است که حزب حکمتیست تلاش میکند تا دو واقعیت را به هم وصل کند. واقعیت موجودی که به خود نام حزب نهاده است با واقعیت بسیار بزرگتری که گرایش کمونیسم در طبقه کارگر را تشکیل میدهد. کل مباحثات منصور حکمت در "تفاوتهای ما" و "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" و "سیاست سازماندهی ما" و کل مباحثات کوروش مدرسی و مصوبات حزب حکمتیست در رابطه با "کمیتة های کمونیستی" و "استراتژی حزب" و "گارد آزادی" برای تحقق بخشیدن این هدف بودند.

سوالی که مقابل جنبش ما قرار داشته و دارد این بود و هست که یا حزب حکمتیست به آن واقعیت بسیار بسیار عظیم تر از موجودیت خود مپیوندد و یا اینکه مثل سایر جریانات چپ بورژوایی در جدایی ابدی خود از طبقه کارگر و به این اعتبار در کنج سیاست های غیرکارگری و بورژوایی اش جا خوش میکند؟ اینجا ابدأ منظور جدایی فیزیکی دو واقعیت داده شده از هم نیست، که این هم هست. منظور تعلق سیاسی، سازمانی، زندگی و هست و نیست این دو واقعیت به هم است.

تعلق حزب حکمتیست به مارکسیسم" مانیفست کمونیست" اما تنها در سطح نظری نیست. این استراتژی حزب از ابتدای تاسیسش را رقم زد و مصوباتی را بعنوان راهنمای کار هر فعال کمونیستی در ایران قرار داد که بدواً میبایست آن "غیرممکن" را "ممکن" کند.

ضرب اول این خواهد بود، یا چنین جزئی وجود دارد و شما در ایران نیستید و یا اینکه این هم ادعایی در کنار ادعای هزاران گروه و سازمان پادروای دیگر است. گذشته از سکتاریسم بی اما و اگر این ادعا، پلاتفرم چیزی در اثبات این ادعا ندارد. اینجا نه مارکس هست و نه منصور حکمت و نه حتی برنامه حزب که "طبقه کارگر و همه کسانی را که خود را در آرمانها و اهداف حزب شریک میدانند به پیوستن به صفوف خویش فرا میخواند." این پرسوه بسته شده است.

اعلام پایان این در عین حال پیش از هرچیز نقد و رد سیاست هایی هستند که قصد چفت کردن آن دو واقعیت را با هم دارند. سیاستها و استراتژی که در کلیه اسناد و مصوبات این حزب مدون شده اند. این نقد و رد حزب حکمتیست است که به نقش و جایگاه ویژه طبقه کارگر اشاره دارد. نقد به حزبی است که رشد و گسترش طبقه کارگر در ایران را تأکید کرده است و نشان داده است که کل آن چیزی که خود را به نام چپ اعلام میکند ربطی به این طبقه ندارد و نمیتواند به هیچ واقعیتی در جامعه وصل شود و بود و نبودش تغییری در مبارزه و زندگی طبقه کارگر و کمونیسم اش در جامعه در دانشگاه ها، در جنبش جوانان و در جنبش زنان نماند. اعلام پایان پروژه "داخل کشوری" کردن حزب است. پروژه ای که تغییر کل سازمان حزب در خارج کشور را هم ایجاب میکند. در این رابطه به مصوبات پلنوم ۱۵ رجوع کنید. این پایان تلاش منصور حکمت پایان تلاشی که حزب کمونیست کارگری و حزب حکمتیست بخاطر آن تشکیل شدند است. این ثقل آن "تغییر ریلی" است که قصد تمایل آن به حزب حکمتیست را داشتند.

پلاتفرم اما باید نشان دهد که چگونه به "بخش متحزب کمونیسم پرولتری" تبدیل شده است؟ این را نمیتوانند نشان دهند چرا که صورت مسله پلاتفرم اساساً این نیست. مشکل آن حزبی که "تغییر ریل" شان را به آن تحمیل کرده اند این است که او را نمیشناسند! راه

این هم "قابل دسترس" بودن است.

پلاتفرم در بخش ۲ خود اعلام میکند:

"جنبش طبقه کارگر و کل صف از ادیخواه و برابری طلب به حزب کمونیستی قابل دسترس و قابل انتخاب در جدال روزمره طبقاتی اتکا میکند. حزب غیر قابل دسترس علیرغم ایده های خوب به جایی نمیرسد. در این راستا:

- بکار گیری همه اهرمهای قدرت اجتماعی، سیاسی و حزبی

- حضور فعال رهبری و شخصیتها و اتوریته های اجتماعی و سیاسی و نسل جوان حزب ما در بطن مبارزه دایمی جنبش طبقاتی

- اتکا به میدیای اجتماعی به ویژه تلویزیون و دیگر امکانات اتصال و اتکای حزب به جامعه.

- گسترش دخالتگری سیاسی و عملی حزب در کلیه کشمکشها و جدلهای سیاسی بر سر آزادی و برابری و رفاه

- قد علم کردن حزب به مشابه نیروی رهبر کل جامعه، به عنوان پرچمدار افراطی اعتراض رادیکال کارگری - حضور حزب در نبرد هر روزه بر سر افکار و کردار سیاسی توده های وسیع مردم" تأکیدات از من

حزب قرار است با بکارگیری "اهرمهای قدرت اجتماعی، سیاسی و حزبی" و حضور "شخصیتها و اتوریته ها" یس و با اتکا به "تلویزیون" بعنوان "پرچمدار افراطی اعتراض رادیکال کارگری" قد علم کند! این برنامه عملی آن حزبی است که "به مثابه بخش متحزب کمونیسم پرولتری در ایران" معرفی شده است. این

ایا چیزی بیشتر از "هنرپیشگی سیاسی" نیست؟ رهبران کمونیست حتماً باید در "بطن مبارزه" حضور داشته باشند. کمونیستها حتماً به "میدیای اجتماعی" محتاجند. حتماً باید "دخالتهای" بکنند، همه اینها اما در غیاب مارکس، منصور حکمت و کل استراتژی و مصوبات حزب، چیزی جز همان "هنرپیشگی سیاسی" نخواهد بود.

باید هر چند کوتاه به "پرچمدار

افراطی اعتراض رادیکال کارگری شدن هم پرداخت. منظور از "اعتراض رادیکال کارگری" چیست که حزب ما باید "پرچمدار افراطی" آن بشود؟ اعتراض کارگری برای مارکسیسم نه از سر رادیکالیسم که از سر منافع ویژه طبقه کارگر علیه همه طبقات دیگر معنی میابد. مارکس درمانیفست تأکید میکند که: "فرق کمونیستها با دیگر احزاب پرولتاری تنها در این است که از طرفی، کمونیستها در مبارزات پرولتارهای ملل گوناگون، مصالح مشترک همه پرولتاریا را صرف نظر از منافع ملیشان، در مد نظر قرار میدهند و از آن دفاع مینمایند، و از طرف دیگر در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی طی میکند، آنان همیشه نمایندگان مصالح و منافع تمام جنبش هستند."

و مطلقاً هیچ چیز درباره اینکه آیا این اعتراض به نفع طبقه کارگر است نمیگوید. شرکت طبقه کارگر در جنبش سبز احتمالاً به همان شکل رادیکالی که این جنبش در خیابان از خود نشان داد، میبود. باید از این رادیکالیسم دفاع میشد؟ جواب پلاتفرم مثبت است. پلاتفرم سیاسی در مقابل بورژوازی ندارد و به همین جهت رادیکالیسمی که شیفته اش است تهی از منافع ویژه طبقه کارگر است. هنرپیشگی سیاسی را باید کنار "پرچمدار افراطی" شدن گذاشت تا بعد دیگری از آن "تغییر ریل" روشن شود. حزب حکمتیست مدافع منافع طبقه کارگر در هر تند پیچ سیاسی و لحظه به لحظه زندگی اش است، پلاتفرم اما شیفته آن "رادیکالیسمی" است که غیرکارگری و غیر مارکسیستی بودن شرط اول شیفتگی "افراطی" به آن است.

تا آنجا که به "اهرمهای قدرت" مربوط میشود، جواب پلاتفرم یک چیز است: گارد آزادی! گارد آزادی که خلاف همه مصوبات تاکنونی حزب تعریف شده است. گفتیم که اگر منصور حکمت تلاش کرد حزب کمونیست کارگری و به این اعتبار کمونیسم در ایران را به بستر اصلی خود وصل کند، اگر حزب حکمتیست تلاش کرد واقعیت اجتماعی مشترکی را میان خود و کمونیسم طبقه کارگر تعریف کند، از نظر پلاتفرم همه این ها پایان یافته اعلام می شوند چرا که حزب حکمتیست "بخش متحزب کمونیسم پرولتاری در ایران" است و "محافل کمونیستی موجود کارگری را به لحاظ فکری و سیاسی تغذیه میکند" و "تعقیب گام به گام و فعال مبارزات اقتصادی و سیاسی بخشهای مختلف کارگری جمع بندی آنها و بیرون کشیدن در سها و تجارب آن و انتقال آن به میان کارگران" را وظیفه خود میداند و اینکه "باید کاری کنیم که محافل کمونیستی رهبران کارگری و کارگران کمونیست نسبت به کلیه وجوه مبارزه طبقاتی مواضع و سیاستهای روشن داشته باشند و به کانونهای زنده و بسیار فعالی در درون طبقه کارگر تبدیل شوند."

اینجا طبقه کارگر، سازمان درونی اش، گرایشات متعدّدش سوخت و ساز سیاسی درونی اش و همان دایره‌ای که مارکس در "مانیفست کمونیست" زیر تیتر "پرولتاریا و کمونیستها" به آن میپردازد جایی از ارباب ندارند. نمایندگان "بخش متحزب کمونیسم پرولتاری" هم محافل فکری را تغذیه میکنند، هم مبارزات کارگری را جمع بندی و هم درسپایش را به میان کارگران "انتقال" میدهند و هم "کاری میکنند" که محافل کمونیستی و رهبران کارگری موضع و سیاستهای روشن داشته باشند. این در کنار شعار "پرچمدار افراطی" اعتراض رادیکال کارگری شدن، نشان میدهد که این چه سیاستی است که قرار است مبنای "سیاست روشن" محافل کمونیستی بشود؟ تنها چیزی که نویسندگان پلاتفرم در رابطه با طبقه کارگر و مختصات اعتراضات آن و کلا موجودیت این طبقه میگویند "اعتراض رادیکال" است. "رادیکالیسمی" که قبل از نویسندگان پلاتفرم صفی از احزاب و جریانات کمونیسم بورژوایی نمایندگی رسمی اش را برای خود ثبت کرده اند. نام آن را هم قبل از پلاتفرم "مبارزه طبقاتی" و "سیاست روشن" گذاشتند و طبقه کارگر را به شرکت در "رادیکالیسم" در خیابان فراخوان دادند. نویسندگان پلاتفرم تنها افتخار احرار نفر آخر این صف در انتظار را نصیب خود کرده اند. چه بورژوایی سنتا جوابش به نقد مارکسیستی حزب حکمتیست در این رابطه متهم کردن ما به "کارگر کارگری" بودن و راهش برای حل مشکلش با طبقه کارگر کمپین هایش بوده است. از این آکسیون به آن آکسیون، از این فراخوان تا آن فراخوان. پلاتفرم این آکسیون ها را با ماجراجویی سطحی و بچه گانه اش تکمیل میکند. پلاتفرم اما برای حزب حکمتیست نوشته شده است. نویسندگان پلاتفرم نمیتوانند به این سادگی آن "تغییر ریلی" که تا اینجا نشان دادیم منظورش چیست را با همان ادبیات معمول چه بورژوایی به این حزب "منتقل" کنند. ترم هایی که پلاتفرم برای جواب دادن به

این تناسب قوا شمال کار گارد آزادی که از حساسیت بسیار بیشتری برخوردار است، نمیشود؟

مشکل "تناسب قوا" اما تنها شامل کمیته های کمونیستی مصوبه حزب نمیشود، این برسمیت نشناختن هر نوع شکل، جمع و محفل کمونیستی کارگری که مستقل از آن بخش "متحزب کمونیسم پرولتاری" باشد را هم شامل میشود. پلاتفرم با خروج از دایره "مانیفست کمونیست" احتیاجی به بررسی و یا حداقل برسمیت شناختن چیزی مستقل از خودش ندارد. احتیاجش به این طبقه تنها در جذب آحاد آن به خود است. آحادی که قرار است "پرچمدار افراطی" چیزی بشوند. پلاتفرم آحاد طبقه کارگر را به خود جلب میکند، با آن ها "حوزه" تشکیل میدهد و بعد از آن برای اولین بار در پلاتفرم چیزی بنام "محافل" تعریف میشود. "محافلی" که نه بر اساس واقعیت داده شده طبقه کارگر، که نتیجه تشکیل اعضای آن "نماینده تحزب پرولتاری" در "حوزه" است که اگر روزی روزگاری "تناسب قوا" اجازه داد، می توانند با اجازه نویسندگان پلاتفرم به کمیته های کمونیستی "ارتقا" یابند. تا آن هنگام قرار است گارد آزادی، با تعریفی که خود از آن دارند، "ابزار موثر دخالت در اوضاع سیاسی به نفع جبهه کارگر و کمونیسم" باشد. کنار گذاشتن مصوبات حزب در باره کمیته های کمونیستی، تنها مربوط به مصوبات این حزب نمیشود. دامن کل طبقه کارگر را میگیرد. قبلاً گفتیم که هر بالا و پایین کردن این حزب از هر سری برخلاف همه جریانات چه بورژوایی تأثیر مستقیم بر جایی در آن جامعه دارد. این هم نمونه دیگری از آن است.

پلاتفرم اعلام میکند که ربطی به تاریخ، مصوبات و تلاش تاکنونی حزب حکمتیست ندارد. پلاتفرم هنرپیشگی سیاسی را با ماجراجویی بچه گانه اش تکمیل میکند. این استراتژی نه مارکسیستی است و نه هیچ ربطی به تعریف حزب حکمتیست از خود دارد. استراتژی که بدرست تابلوی ایست مقابل آن قرار داده شد.

فرم الف

ویژه ثبت نام نمایندگان کنگره پنجم حزب حکمتیست

نام

نام خانوادگی

حوزه انتخاباتی

کشوری که از آنجا عازم کنگره هستید

تلفن

ای میل

چه شب هائی خوابگاه میخواهید؟

جمعه شب

شنبه شب

هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید؟

آیا برگ تسویه حساب حق عضویت را دریافت کرده اید؟

آیا این برگه را بدست ما رسانده اید؟ (بدون این برگه در کنگره حق رای نخواهید داشت)

آیا کودک همراه دارید؟ چند کودک

لطفا برای هر کودک فرم ثبت نام کودکان (فرم ج) را پر کنید و همراه این فرم بفرستید

روز ورود

ساعت ورود

محل ورود

وسیله ورود

فرم ب

ویژه ثبت نام میهمانان کنگره چهارم حزب حکمتیست

نام:

نام خانوادگی:

کشوری که از آنجا عازم کنگره هستید:

تلفن:

ای میل:

ورودی

چه شب هائی خوابگاه میخواهید؟

جمعه شب:

شنبه شب:

جمع هزینه (به یورو)

هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید

مبلغ کسری پرداخت هزینه کنگره

در محل پرداخت میکنید؟

آیا کودک همراه دارید؟ چند کودک:

لطفا برای هر کودک فرم ثبت نام کودکان (فرم ج) را پر کنید و همراه این فرم بفرستید

روز ورود:

ساعت ورود:

محل ورود:

وسیله ورود:

پلاتفرم سیاسی، عملی هیئت دایم دفتر

سیاسی حزب حکمتیست

(اول آذرماه ۱۳۹۰ - بیست و دوم نوامبر ۲۰۱۱)

حزب حکمتیست برای سازماندهی انقلاب اجتماعی پرولتاریا و ایجاد جامعه سوسیالیستی ایجاد شده است. سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی به جای آن امر فوری ما است. ما تحقق این استراتژی را در شرایط پیچیده ای پیگیری میکنیم. اکنون حوزه مستقیم فعالیت حزب ما، جامعه ایران، در مقابل تلاطمات سیاسی و اجتماعی جدی قرار دارد. زیر تاثیر بحران اقتصادی جهان سرمایه، تحولات مهم خاورمیانه و شمال آفریقا و معضلات اقتصادی و سیاسی بورژوازی ایران و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، تحولات مهمی در چشم انداز است. جنبش ها و جریانات مختلف برای کوبیدن مهر خود بر این تحولات در تکاپویند. جنبش طبقه کارگر و صف متمایز کمونیستی کارگری هم میتواند و باید مهر خود را بر این وضعیت بکوبد. تحقق این امر تماما به نقش عنصر فعاله کمونیسم طبقه کارگر و حزب کمونیستی دخالتگر و مدعی قدرت سیاسی گره خورده است. حزب حکمتیست به مثابه بخش متحزب کمونیسم پرولتری در ایران باید ایفاگر این نقش سرنوشت ساز باشد.

حزب حکمتیست برای سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی به جای آن را برافرازد. با استنتاجات روشن و امروزی از مباحث اساسی "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" تکان جدی به حیات سیاسی و دامنه تاثیر گذاری اجتماعی خود بدهد. پلاتفرم زیر گام تعیین کننده ای در این راستا است.

۱- **تامین رهبری سیاسی:** در این راستا:

- ابراز وجود رهبری سیاسی کمونیستی در قامت اجتماعی و فرحزبی و دخالتگر در جدالهای سیاسی و اجتماعی ایران
- ایفای نقش رهبری به عنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم و کمونیسم حکمت
- ایفای نقش ویژه برای تضمین اتحاد سیاسی و وحدت عمل حزب
- منطبق کردن هر چه بیشتر شیوه کار رهبری بر "تلهای رهبری کمونیستی"
- فاصله گرفتن از سنت کار آکسیونیستی و محفلی و ماقبل حزبی، متکی شدن به اصول و موازین کار تعریف شده حزبی
- تامین رهبری جمعی مسئولیت پذیر، باز و متکی بر آگاهی و آمادگی نیروی جنبش خود و کادرها و فعالین حزب

برای ایفای این نقش، حزب ما بر ظرفیتهای و تواناییهای مهمی از دستاوردهای سیاسی و سازمانی و پراتیکی سه دهه اخیر کمونیسم حکمت تکیه دارد و در عین حال تناقض مسئله آنجا است که با کمبودها و نارساییهای سیاسی و سازمانی و سبک کاری خطیری هم روبرو است. وضع موجود حزب جوابگوی این رسالت نیست و بسرعت باید تغییر کند. حزب ما به تغییر ریل و دگرگونیهای اساسی احتیاج دارد تا به عنوان حزب کمونیستی دخیل در مبارزات طبقه کارگر و هدایتگر کل جنبش آزادی و برابری و راهی انسان عروج کند. در دل این تحولات پرچم انقلاب

برای ایفای این نقش، حزب ما بر ظرفیتهای و تواناییهای مهمی از دستاوردهای سیاسی و سازمانی و پراتیکی سه دهه اخیر کمونیسم حکمت تکیه دارد و در عین حال تناقض مسئله آنجا است که با کمبودها و نارساییهای سیاسی و سازمانی و سبک کاری خطیری هم روبرو است. وضع موجود حزب جوابگوی این رسالت نیست و بسرعت باید تغییر کند. حزب ما به تغییر ریل و دگرگونیهای اساسی احتیاج دارد تا به عنوان حزب کمونیستی دخیل در مبارزات طبقه کارگر و هدایتگر کل جنبش آزادی و برابری و راهی انسان عروج کند. در دل این تحولات پرچم انقلاب

ویژه تلویزیون و دیگر امکانات اتصال و اتکای حزب به جامعه. گسترش دخالتگری سیاسی و عملی حزب در کلیه کشمکشها و جدلهای سیاسی بر سر آزادی و برابری و رفاه

قد علم کردن حزب به مثابه نیروی رهبر کل جامعه، به عنوان پرچمدار افراطی اعتراض رادیکال کارگری حضور حزب در نبرد هر روزه بر سر افکار و کردار سیاسی توده های وسیع مردم، استنتاجات مداوم از مباحث پایه ای "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" و حدادی کردن ابزارها و امکانات و ابتکاراتی که حزب را قابل دسترس جامعه و طبقه کارگر میکند.

۳- **پرچم سیاسی کمونیستی، شکل دادن به انترناتیو پرولتری در قبال قدرت سیاسی:**

- برافراشتن قاطع پرچم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تامین آزادی و برابری در تحولات سیاسی ایران.

- اعلام نه قاطع به همه ابعاد موجودیت و قوانین جمهوری اسلامی و تبدیل حزب به قاطعترین و موثرترین نیروی اپوزیسیون

- فعال کردن ماکسیمال ظرفیتهای حزب در صحنه تحولات سیاسی

- تبلیغ و توده گیر کردن شعار جمهوری سوسیالیستی به عنوان حکومتی که باید با سرنگونی جمهوری اسلامی برقرار شود.

۴- **طرد و ایزوله کردن اپوزیسیون بورژوازی:**

- مبارزه بی امان علیه همه پرچمها و نیروهای بورژوازی اعم از ناسیونالیسم پروغرب، ملی مذهبیها، جریانات سبز، جریانات سنازیو سیاهی و ناسیونالیست محلی، فدرالیستها، احزاب و جریانات ناسیونالیسم کرد و

- مقابله سرراست با سناریوی سیاه دخالت آمریکا و غرب برای ایران و سیاست ضد انسانی همگامی اپوزیسیون راست و چپ بورژوازی با آن

- ادامه تقابل آشکار و بی ابهام با سیاستهای ارتجاعی اپوزیسیون بورژوازی ایران در دفاع از سیاست ضد انسانی

تحریم اقتصادی و فضا سازی جنگی و تهدید نظامی - نقد و منزوی کردن همه شاخه های کمونیسم بورژوازی

۵- **تامین حضور فعال در ابعاد مختلف مبارزات طبقه کارگر**

سند "مبارزات جاری طبقه کارگر و حزب حکمتیست" مصوب پلنوم ۲۱ کمیته مرکزی حزب، مبنای سیاست این دوره است. بر این مبنای محورهای زیر تاکید ویژه میکنیم.

- ظاهر شدن حزب به عنوان مرجع صاحب نظر در برخورد به معضلات واقعی زندگی و مبارزه کارگری. فوکوس محوری بر مسائل گرهی آگاهی، اتحاد و سازمانیابی پرولتاریای صنعتی ایران.

- تعقیب گام به گام و فعال مبارزات اقتصادی و سیاسی بخشهای مختلف کارگری. جمع بندی آنها و بیرون کشیدن درسها و تجارب آن و انتقال آن به میان کارگران. فوکوس بر مطالبات اساسی کارگری در هر دوره.

ب- **تقویت محافل کمونیستی کارگران:** حزب ما محافل کمونیستی موجود کارگری را به لحاظ فکری و سیاسی تغذیه میکند. باید کاری کنیم که محافل کمونیستی رهبران کارگری و کارگران کمونیست نسبت به کلیه وجوه مبارزه طبقاتی مباحث و سیاستهای روشن داشته باشند و به کانونهای زنده و بسیار فعالی در درون طبقه کارگر تبدیل شوند.

ج - **عضوگیری وسیع کارگری:** سیاست عضوگیری وسیع در میان کارگران و محافل کمونیستی درون طبقه کارگر را پیگیری میکنیم. بر مبنای سیاست سازماندهی ما هر کارگر و فعال کارگری که خود را با حزب حکمتیست تداوی میکند، عضو حزب ما محسوب میشود. صرفنظر از اینکه به دلایل امنیتی امکان اعلام رسمی به آنها وجود داشته باشد یا نه.

د - **حوزه های حزبی:** با در نظر گرفتن شرایط امنیتی اعضای حزب را در حوزه های حزبی متشکل میکنیم. حوزه های حزبی باید کانونهای فعالی در شبکه های سیاسی و مبارزاتی موجود در جنبش کارگری باشند. حوزه ها از نظر ماهیت کار باید به صورت یک تجمع محفلی فعال در این شبکه ها و در تشکلهای توده ای و کارگری عمل کنند.

۶- **سازمانیابی کمونیستی طبقه کارگر**

سازمانیابی کمونیستی و بنیاد گذاشتن پایه های حزب کمونیستی در درون جنبش طبقه کارگر عرصه هویتی و ستون فقرات کار حزب ما و فونکسیونهای مستقیما درگیر است. اساس کار ما در محل

- ه - ایجاد کمیته های کمونیستی : با گسترش نفوذ ما و به ویژه با در نظر گرفتن تناسب قوا و بهبود اوضاع امنیتی، با اتکا به رهبران کارگری، آژیتاتورها و فعالین کمونیست درون طبقه کارگر، کمیته های کمونیستی و حزبی را ایجاد میکنیم. شاخص مهم برای رسمیت دادن به این کمیته ها، درجه اطمینان به ادامه کاری آنها بعد از اعلام موجودیت آنها است. نباید کمیته ها را زودرس و تصنعی و فقط با ابتکار از بالا ایجاد کرد. در پیدایش شرایط مساعد این کار، فاکتور اولاً تناسب قوای مساعد و اوضاع امنیتی و ثانیاً درجه آمادگی رهبران کارگری و فعالین کمونیست کارگران برای ایفای نقش خود در قالب کمیته کمونیستی رهبری کننده را باید در نظر گرفت.
- ۷- تامین حضور موثر در جنبش رهایی زن: متمرکز کردن و فعال کردن ظرفیتهای رهبری و کادرهای سرشناس و با تجربه حزب در این عرصه، حول یک نشریه موثر و با ابتکارات دیگر تلاش برای ایجاد تشکل توده ای و اجتماعی زنان حمایت از نهادهای رادیکال مدافع حقوق زنان
- ۸- احیای موقعیت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاهها و در میان نسل جوان - سازماندهی انرژی نسل جوان جذب شده به حزب در این عرصه - بکارگیری درسهای گرانبهای تجربه داب در فعالیتهای آتی
- ۱۰- گارد آزادی و پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم: این دو عرصه مهم کار را باید فعال کرد.
- گارد آزادی اهرم قدرتمند دفاع از خود مردم و ابزار موثر دخالت در اوضاع سیاسی به نفع جبهه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی است. سازماندهی و فعالیت هدفمند گارد آزادی باید گسترش یابد. فرماندهی گارد آزادی در سطح سراسری و در کردستان طبق نقشه روشن پیشروی این عرصه مهم را باید تضمین کنند. نسل جوان و انسانهای علاقمند را باید در این عرصه سازمان دهد.
- تلاش برای اجرای پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم و از میان برداشتن مشکلات سر راه آن. حفظ پتانسیل مسلح حزب در کردستان
- ۱۱- خارج کشور: - نمایندگی کردن صدای اعتراض طبقه کارگر و فعالین کارگری در عرصه های مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در کردستان تبدیل شود.
- تشکیلات کردستان باید مبتکر تنگ کردن عرصه بر جمهوری اسلامی در کردستان و الهام بخش اعتراضات رادیکال و حق طلبانه کارگران و مردم باشد.
- نقد و جدال دایمی با جنبش بورژوا ناسیونالیسم کرد و نمایندگان حزبی و غیر حزبی آن و طرد و منزوی کردن آن
- نقد و منزوی کردن کمونیسم ملی در کردستان
- تجربه داب در فعالیتهای آتی - تلاش برای ایجاد سازمان جوانان آزادیخواه و برابری طلب که در داخل و خارج بر فعال کردن ظرفیتهای نسل جوان تمرکز کند.
- تسهیل قرار گرفتن نسل جوان در موقعیتهای کلیدی کار حزب بر اساس مصوبه پلنوم بیست و دوم
- ۹- حزب در کردستان: - موقعیت کمونیسم و حزب در کردستان یک اهرم قدرت بزرگ این حزب است. در نقشه ای هدفمند این موقعیت را باید فعالتر کرد.
- انرژی و توان رهبران و شخصیتهای اجتماعی این حزب در کردستان و نسل جوان کمونیستهای موجود این بخش حزب را باید در تشکیلات کردستان سازمان داد. تشکیلات کردستان حزب باید جویگویی همه وجه مبارزه طبقاتی در جامعه کردستان باشد.
- تشکیلات کردستان ما باید به ظرف اعتراض رهبران و فعالین کارگری در عرصه های مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در کردستان تبدیل شود.
- تشکیلات کردستان باید مبتکر تنگ کردن عرصه بر جمهوری اسلامی در کردستان و الهام بخش اعتراضات رادیکال و حق طلبانه کارگران و مردم باشد.
- نقد و جدال دایمی با جنبش بورژوا ناسیونالیسم کرد و نمایندگان حزبی و غیر حزبی آن و طرد و منزوی کردن آن
- نقد و منزوی کردن کمونیسم ملی در کردستان
- در کل خارج
- امکانسازی موثر مالی برای حزب و ارتقا ابتکارات و ظرفیت تشکیلات خارج کشور در این زمینه .
- حمایت فعال از مبارزات کارگران جهان و تلاش برای ایجاد روابط موثر با بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی
- ایفا کردن نقش فعال در تحریک ضد جنگ و فضا سازی جنگی کشورهای غربی علیه ایران
- ۱۲- آموزش مارکسیسم در صفوف حزب و به طور ویژه آموزش و بازخوانی مبانی پایه ای کمونیسم کارگری (سمنارها و ادبیات پایه ای حکمت)
- شکل دادن به یک شالوده کادری قوی مارکسیست و مجرب در حزب
- ۱۳- کانالیزه کردن اختلاف نظرات و تحکیم حزب و حزبیت - ایجاد بیشترین فرجه برای طرح اختلاف نظرات سیاسی، کانالیزه کردن اصولی اختلاف نظرات و تلاش برای به نتیجه رساندن آن.
- تبدیل نظرگاههای مختلف به اسناد مدون و قابل تصویب. تضمین تبعیت کل رهبری و حزب از مصوبات حزبی
- تضمین وحدت عمل حزب، تحکیم انضباط حزبی و پافشاری بر اجرای موازین و مقررات حزبی.
- تضمین فضای سالم سیاسی و رعایت پرنسیپهای کمونیستی در مبارزات سیاسی درون حزبی
- تضمین اینکه مباحثات درونی حزب، راندمان فعالیت رو به
- بیرون حزب را تحت تاثیر قرار ندهد. حضور فعال و دایمی حزب در جدالهای رو به بیرون باید تضمین شود.
- تضمین اینکه در جریان مباحثات درونی موازین حزبی نقض نشود. برخورد قاطع به موارد نقض موازین حزبی
- مبارزه قاطع با نسبیست سیاسی و محفلیسم و بروز قدرالیسم تشکیلاتی
- ۱۴- کار در خاورمیانه: تحت تاثیر تحولات جدید منطقه، کمونیسم ما و هر سه حزب با وظایف کمونیستی جدیدی روبرو هستیم. در راستای جویگویی به این مسئله :
- دوره آینده حزب باید نقش فعالتری ایفا کند.
- ادامه حمایت بیدریغ از "مرکز کمونیسم پرولتری در جهان عرب"
- تقابل سیاسی شفافتر با دخالت آمریکا و غرب در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (الگوی لیبی و مشابه) و رسوا کردن این سیاست
- ۱۵- رابطه سه حزب: تحکیم رابطه سه حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان و حکمتیست و ارتقای کار مشترک در سطوح مختلف
- ۱۶- مالی: گسترش امکانسازی مالی، تدوین ابتکارات جدید، سروسامان دادن به سازمان مالی و اختصاص نیروی جدی به این عرصه

از صفحه ویژه برگزاری کنگره ۵ حزب دیدن کنید:

<http://hekmatist.com/kong5/vige-kong5.html>